



Economics of Crime in the Analysis of Pluralism of Punishment and its Individualization

اقتصاد جرم در تحلیل کثرت گرایی مجازات و فردی کردن آن

Esmail Kashkoulan

Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

اسماعیل کشکولیان

گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

esmaeil.kashkoulan67@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0003-4530-5409>

Mahmoud Ashrafi Mahabadi

Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

محمود اشرفی مهابادی

گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

mahmood.ashrafy2000@gmail.com

Amin Amirian Farsani

Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi University of Isfahani, Isfahan, Iran

امین امیریان فارسانی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
amirian.amin@yahoo.com

Abstract

The economics of crime is one of the interdisciplinary topics that entered economics after the 1970s with the efforts of Gray-Becker, and this science is trying to analyze the economic aspects of crime. The occurrence of crime as an undesirable social phenomenon has several economic and social causes, and due to the importance of the issue of crime, in different countries, in recent years, extensive studies have been conducted to identify and explain the causes of its occurrence. Identifying and explaining the causes of crime makes we reach the goal of prevention; because the costs of crime, especially the costs of punishment, including imprisonment, impose a heavy burden on the executive body. By identifying and preventing these factors, these costs can be reduced and spent on other priorities. In this article, the dimensions of the economy of crime in the analysis of the pluralism of punishment and its individualization have been investigated with a descriptive and analytical method.

Keywords: Economy, Crime, Punishment, Principle of Individualization, Pluralism.

چکیده

اقتصاد جرم و جنایت یکی از موضوعات بین‌رشته‌ای است که پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی با تلاش گری بکر وارد علم اقتصاد شده و این علم در تلاش است تا جنبه‌های اقتصادی جرم و جنایت را تحلیل کند. وقوع جرم به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل اقتصادی و اجتماعی متعددی داشته و با توجه به اهمیت موضوع جرم، در کشورهای مختلف، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است. شناسایی و تبیین علل وقوع جرم، ما را به هدف پیشگیری نائل می‌سازد؛ چراکه هزینه‌های جرم به ویژه هزینه‌های مجازات از جمله حبس، بار سنگینی را بر دستگاه اجرایی، تحمیل می‌کند. با شناسایی و پیشگیری از این عوامل، می‌توان این هزینه‌ها را تقلیل نمود و آن‌ها را در اولویت‌های دیگر، هزینه کرد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ابعاد اقتصاد جرم در تحلیل کثرت گرایی مجازات و فردی کردن آن پرداخته شده است.

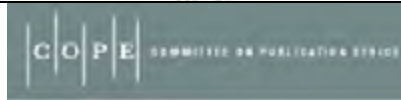
واژگان کلیدی: اقتصاد، جرم، مجازات، اصل فردی کردن، کثرت گرایی.

ارجاع:

کشکولیان، اسماعیل؛ اشرافی مهابادی، محمود؛ امیریان فارسانی، امین؛ (۱۴۰۲)، اقتصاد جرم در تحلیل کثرت گرایی مجازات و فردی کردن آن، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

اقتصاد جرم یکی از رشته‌های جدید در حوزه اقتصاد می‌باشد. در این رویکرد، اندیشمندان اقتصادی اقدامات و پدیده‌های بزهکارانه را گونه‌ای از فعالیت اقتصادی تعبیر می‌کنند و بزهکاران همچون فعالان سایر حوزه‌های اقتصادی، در نظر گرفته می‌شوند که در اقدام‌های مجرمانه خود، منافع و هزینه‌های رفتارشان را می‌سنجند (پرادل، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، در واکنش به پدیده‌های مجرمانه، باید منافع و هزینه‌های واکنش اجتماعی سنجیده شود و در صورتی که منافع واکنش اجتماعی بیشتر از هزینه‌های آن باشد، باید آن را اجرایی کرد. در واقع مرتکب پیش از فعلیت دادن به مقاصد مجرمانه خود، یک سنجش عقلایی با در نظر گرفتن منافع و ضررهای احتمالی نتایج اعمال خود انجام می‌دهد تا بهترین تصمیم را از منظر خود اتخاذ کند. در نتیجه ممکن است از ارتکاب جرم صرف‌نظر کند، یا اهداف خود را بر جرم دیگری متمرکز کند و یا از ارتکاب جرم منصرف شود (شهابی، ۱۳۹۰). با این مقدمه به تشریح ابعاد اقتصاد جرم در کثرت واکنش‌های کیفری و اصل فردی کردن این واکنش‌ها می‌پردازیم.

۱- مفاهیم

۱-۱- اقتصاد جرم^۱

فعالیت‌های مجرمانه از گذشته تاکنون به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی وجود داشته که در زمان‌های مختلف در قالب‌های متفاوتی نمود پیدا کرده است. این موضوع آنقدر گسترش پیدا کرد که

تحلیلگران و صاحب نظران مجبور شدند برای پرداختن بدان، تفکیک‌های تخصصی را در این حوزه داشته باشند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اقتصاد جرم بود. جرم به عنوان پدیده‌ای پیچیده و نامطلوب، ناشی از عوامل گوناگونی، اعم از فردی و خانوادگی، فرهنگی و سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع جرم در کشورهای مختلف، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است. شناسایی و تبیین این عوامل، همچنین عملکرد وابسته و مهم برخی از آن‌ها، ما را به هدف پیشگیری نائل می‌سازد؛ بدین وسیله هزینه‌های وقوع جرائم، تقلیل خواهند یافت (انصاری و انصاری، ۱۳۹۴).

رشته مطالعاتی جدیدی که با عنوان اقتصاد جرم شناخته می‌شود، گرایشی از رشته اقتصاد است. در این نگاه که از سوی اقتصاددانان مطرح شده است، به فعالیت‌های مجرمانه به مثابه نوعی فعالیت اقتصادی نگاه می‌شود و مجرمان همانند فعالان سایر حوزه اقتصادی، اشخاصی در نظر گرفته می‌شوند که در اقدام‌های مجرمانه خود، منافع و هزینه‌های رفتارشان را می‌سنجند. از سوی دیگر، مطابق این نگاه در برخورد با رفتارهای مجرمانه باید منافع و هزینه‌های واکنش اجتماعی سنجیده شود و در صورتی که منافع واکنش اجتماعی بیشتر از هزینه‌های آن باشد، باید آن را اجرایی کرد. با توجه به آنچه بیان شد؛ از مفهوم اقتصاد جرم می‌توانیم چهار تعریف داشته باشیم که به شرح زیر است:

الف- بررسی دخل و خرج جرم؛ بررسی دخل و خرج جرم توسط بزه‌کار، ریشه در تفکرات مکتب کلاسیک و حقوقی جرم‌شناسی دارد. اگر شرایط اجتماعی، هزینه تمام‌شده ارتکاب جرم را افزایش دهد، به گونه‌ای که جرم منفعتی برای مجرم نداشته باشد، انگیزه‌های ارتکاب جرم کاهش یافته و خطر وقوع جرم کاهش پیدا خواهد کرد. این نظریه، امروزه با نظریه دیگری به نام نظریه گزینش عقلانی تقویت شده است. آثار این نظریه در تکنیک‌های پیشگیری وضعی نمود زیادی پیدا کرده است. افزایش زحمت ارتکاب جرم، افزایش خطر و کاهش منافع، سه تکنیک اصلی پیشگیری وضعی هستند که مبنای منطقی آن‌ها بر دیدگاه اقتصاد جرم مبتنی است.

ب- هزینه‌ها و احیاناً منافع اقتصادی جرم یا مبارزه با آن برای جامعه؛ بیشتر به هزینه‌ها و منافع اقتصادی جرم برای جامعه می‌پردازد. شاید صحبت از منافع اقتصادی جرم برای جامعه قدری عجیب و تأمل برانگیز باشد اما واقعیت امر این است که در مواردی برخی از دولت‌ها یا مقام‌های محلی ممکن است به دلیل منافع ناشی از جرم برای جامعه از برخورد مناسب با گروهی از جرائم اجتناب کنند. این تعبیر علاوه بر اقتصاد ارتکاب جرم، اقتصاد مبارزه با جرم را نیز شامل می‌شود. در این رویکرد تلاش می‌شود تأمل بیشتری در

مورد هزینه‌ها و منافع ناشی از مبارزه یا پیشگیری از جرم صورت گیرد.

ج- بررسی نقش اقتصاد در تکوین جرم؛ این مقوله در بحث اقتصاد و جرم قابل طرح است و آوردن آن در زیرمجموعه اقتصاد جرم تناسبی ندارد. هرچند که این سلیقه در برخی از کتب منتشره و دسته‌ای از پایان نامه‌ها به چشم می‌خورد.

د- بررسی نقش جرم در اقتصاد کشور؛ تعبیر چهارم از اقتصاد جرم، بررسی آثار جرم بر اقتصاد کلان کشور است. مطالعه سهم جرم در هزینه‌های کلی جامعه و روند رو به افزایش و کاهش آن از مباحث مطروحه در این رویکرد به شمار می‌رود. کارکرد اقتصادی جرم نیز در همین دسته‌بندی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر علاوه بر برخی از دولت‌ها، نهادهایی مانند سازمان ملل متحد نیز به طور سالانه اقتصاد جرم را بررسی می‌کنند و در بولتن‌هایی ارائه می‌دهند (کوتر و یولن، ۱۳۹۸، ۵۱).

۲-۱- کثرت‌گرایی کیفی^۲

واقعیت این است که درباره معنای کثرت‌گرایی کیفی یا پلورالیسم کیفی، اتفاق نظر وجود ندارد و البته ابهام در معنا، به نظر می‌رسد، ویژگی ذاتی همه «ایسم‌ها» باشد (انصاری و انصاری، ۱۳۹۴، ۶۸۱). با این وجود، به نظر می‌رسد کثرت‌گرایی کیفی را می‌توان در دو سطح سیستم‌ها و مکانیسم‌های حقوقی از یک طرف و مبنا و منشأ التزام آور قاعده حقوقی از طرف دیگر مطالعه کرد و بر همین اساس، به دو نوع کثرت‌گرایی کیفی شکلی و کثرت‌گرایی ماهوی یا مبنایی تقسیم کرد. منظور از کثرت‌گرایی شکلی یا فنی، تحلیل کثرت‌گرایی در دو سطح «سیستم حقوقی» و «مکانیسم‌های حقوقی» است. «ای مری»، مردم‌شناس آمریکایی، با تقسیم کثرت‌گرایی به کلاسیک و جدید، کثرت‌گرایی کلاسیک را محدود به سطح سیستم حقوقی می‌کند؛ از منظر او، کثرت‌گرایی کلاسیک به معنای تعدد سیستم‌های حقوقی (دولتی و عرفی) در جوامع تحت استعمار دول اروپایی است (شهابی، ۱۳۹۰، ۱۱).

۳-۱- فردی کردن مجازات^۳

اصل فردی کردن مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها، که استثنایی سهل و ممتنع بر اصل قانونی بودن مجازات‌ها وارد نموده است به معنی اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده است و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصفه

2- Criminal Pluralism

3- Individualization of Punishment

ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید تخفیف یا تعلیق و... مجازات شود (مک‌شین و ویلیامز، ۱۳۹۴، ۷۱). به نظر اولین برداشت از معنای حقیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها ایجاب می‌کند نقش اساسی در فردی کردن کیفرها را به عهده قاضی جزایی یعنی شخصیتی وارسته، عالم و عدالت خواه نهاده تا در صورت لزوم مجرم را از کیفیات مخففه بهره‌مند نماید و در صورت اختیارات وسیع دادرسان در اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها توالی فاسد متعدده‌ای ایجاد می‌کند که نمی‌توان به سرعت از ضایعات آن در نظام کیفری کاست زیرا احکام کیفری پیش از آن که مبتنی بر استدلال و مستند به اصول و مبانی حقوقی باشد براساس سلیقه‌های شخصی علاقه‌های فردی و تفسیرهای خصوصی مبتنی می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۶۹).

۲- علل اهمیت توجه اقتصاد جرم در تعیین مجازات

همانگونه که پیش از این بیان شد؛ در سال ۱۹۶۸ گری بگر^۴ در مقاله معروفش تحت عنوان «اقتصاد جرم و مجازات یک رهیافت اقتصادی» به مقوله جرم پرداخت. افرادی چون استیگلر وارلیک^۵ تلاش‌های مشابهی به خرج دادند تا بالاخره در دهه ۱۹۷۰ مباحث اقتصاد جرم به‌طور جدی وارد علم اقتصاد شد، تا بتوان از جنبه اقتصادی، فعالیت‌های مجرمانه را تجزیه و تحلیل کرد. الگوی اقتصاد جرم بر این فرض استوار است که اگر مطلوبیت انتظاری^۶ یک فرد از مطلوبیتی که می‌تواند با استفاده از منابعش در دیگر فعالیت‌ها به‌دست آورد بیشتر باشد، آن‌گاه با احتمال زیادی این فرد مرتکب جرم خواهد شد. به‌عنوان مثال، یک نمودار منحنی امکانات تولید یک فرد یا یک گروه را در مقابل مطلوبیت حاصل از مصرف‌شان تصور کنید، حالا بنابر دلایل متعددی مانند بیکاری، تورم، فقر درآمدی و مانند آن‌ها دسترسی به منحنی‌های بی‌تفاوتی بالاتر برای فرد یا گروه به تدریج کاهش می‌یابد. این فرد یا گروه با قرار گرفتن روی منحنی امکانات پایین‌تر قادر به تأمین نیازهای خویش نمی‌شود، به این ترتیب فرد یا گروه برای دسترسی به منحنی امکانات بالاتر برای تأمین نیازها، احتمال این‌که دست به فعالیت‌های مجرمانه بزند افزایش می‌یابد (مک‌شین و ویلیامز، ۱۳۹۴، ۵۲).

اقتصاددانان در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در حل مشکلات اجتماعی نظیر جرم انجام داده‌اند و در این مطالعات تلاش کرده‌اند با به‌کارگیری مقوله اقتصاد رفاه و بر پایه نظریه‌های «رفتار عقلانی» و «رجحان فردی» حوزه‌هایی چون جرم را کنکاش کنند. این تلاش اقتصاددانان در اعتراض به روندی اتفاق

4- Gary Becker

5- Stigler Varlic

6- Expected Utility

افتاد که روز به روز بر تکثر و پیچیدگی قوانین بازدارنده و مجازات‌ها می‌افزود، چراکه در نگاه اقتصاددانان، این روند برخلاف نظریه عام اقتصادی است که از آن به «آزادی اقتصادی» تعبیر می‌شود. بنابراین، اقتصاددانان راهکاری را دنبال می‌کردند که با به‌کارگیری فناوری‌های نر می چون شیوه‌های اداره اقتصادی جوامع از ارتکاب جرائم جلوگیری کند. بکر در نوشتار معروف خود یعنی «جرم و تنبیه؛ رویکردی اقتصادی» می‌گوید: «قانونگذاری در کشورهای غربی در قرن نوزدهم به سرعت و برخلاف قاعده مسلط بگذار بشود گسترش یافته است. دولت‌ها در نتیجه این قانونگذاری نتوانسته‌اند جرائم را کاهش دهند و تنها تبعیض‌هایی تحمیل شده بر اقلیتی از افراد، مشاغل و سازوکارها را در محدودیت قرار داده‌اند (ولد، ۱۳۹۷، ۷۲). بکر در تکمیل نظریه جرم‌شناسی اقتصادی بنام در مقاله خود با عنوان جرم و تنبیه، بر این نکته تأکید کرد که «یک نظریه کارآمد و مفید درباره رفتار مجرمانه می‌تواند سایر نظریات را که به نحوی بی‌نظم و نارسا در صدد تبیین این مقوله هستند را باطل کند. مطابق با نگاه بکر، انسان بزهکار هم انسانی مانند سایر افراد است. او بر این فرض پافشاری می‌کند که افراد به گونه‌ای عقلانی رفتار می‌کنند و هر کدام از آن‌ها حداکثرکننده مطلوبیت خود هستند (مک لنان، ۱۴۰۰، ۷۷). لذا او در نوشتارهای خود به دنبال حد بهینه مجازات است؛ به این معنا که مبتنی بر منطق اقتصادی، چه اندازه از مجازات می‌تواند خطاها و جرائم را کمینه سازد.

۳- تحلیل آثار اقتصادی جرم

بدیهی است که بروز و گسترش جرم در یک جامعه، اثرهای زیان باری را به ویژه به لحاظ اجتماعی خواهد داشت. آثار جرم منجر به تقبل هزینه‌هایی از سوی اجتماع می‌گردد که به طور کلی می‌توان آن را به سه گروه کلی تقسیم بندی کرد: هزینه‌هایی که قبل از بروز جرم ایجاد می‌شوند؛ هزینه‌هایی که به هنگام بروز جرم حاصل می‌شوند؛ هزینه‌هایی که پس از بروز جرم به وجود می‌آیند.

جامعه برای کاهش میزان جرم و جنایت، ناچار به تحمل هزینه‌های متعددی توسط بخش خصوصی و بخش عمومی است. بخش خصوصی با هدف تأمین امنیت خود، در تلاش است با به‌کارگیری سیستم‌های جدید و پیشرفته امنیتی و نیروی کار (مانند محافظان) خود را از گزند آسیب‌های احتمالی در امان نگاه دارد. علاوه بر هزینه‌های مستقیم مذکور، بخش خصوصی باید هزینه‌های غیرمستقیمی نیز پردازد که اهم آن‌ها عبارتند از: الف- نقل مکان به مکان‌های امن‌تر که می‌تواند هزینه بر باشد. ب- پرهیز از سپری نمودن اوقات فراغت در خارج از خانه. ج- افزایش تمایل به بیمه‌های خاصی مانند بیمه سرقت. د- کاهش قیمت منازل در محل‌هایی که جرم خیزترند. ه- کاهش سرمایه‌گذاری به خاطر تأثیر جرم بر

افزایش ریسک، و- کاهش کیفیت زندگی به خاطر ایجاد رعب و وحشت.

از سوی دیگر دولت یا بخش عمومی با توجه به وظیفه تأمین امنیت جامعه، ناچار است از طریق صرف هزینه در اموری مانند پلیس، بازآموزی و حتی آموزش و غیره در جهت کاهش جرم در جامعه تلاش کند. در این میان، بدیهی است که صرف هزینه در امور جنایی از سوی دولت موجب می‌شود که سهم هزینه‌های دیگری مانند آموزش، بهداشت و یا عمران کاهش یابد که این امر خود نشان‌دهنده هزینه فرصت از دست رفته هزینه‌های انتظامی است. از طرف دیگر، ارتکاب هر جرمی، مستلزم صرف هزینه نیروی کار و سرمایه‌هایی است که به سمت آن سوق داده می‌شود. بنابراین، بخش دوم هزینه‌های جرم به هنگام وقوع آن به وجود می‌آید و سرانجام پس از وقوع جرم نیز هزینه‌های متعددی حاصل می‌شود که برخی از آن‌ها مربوط به قربانیان است مانند از بین رفتن سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و بخش بسیار مهم آن به هنگام دستگیری مجرمان ایجاد می‌شود، مانند هزینه‌های مربوط به دادگاه‌ها و زندان‌ها (پرادل، ۱۳۹۶، ۳۷).

همچنین می‌توان هزینه‌های بلندمدت دیگری نیز برای خانواده‌های قربانیان و مجرمان به لحاظ آثار احتمالی آن در آینده برشمرد. بدین ترتیب می‌توان هزینه‌های بالقوه ناشی از جرم را به صورت زیر خلاصه نمود: تمامی هزینه‌های فرصت ناشی از زمان‌های اختصاص یافته به جرم (توسط مجرمان، قربانیان و یا سیستم‌های نظارت و نگهداری)؛ هزینه‌های مستقیم امنیتی و پلیسی؛ هزینه‌های مستقیم بخش خصوصی؛ تأثیر بر سایر بازارها از جمله بر بازار کار؛ تأثیر بر کیفیت زندگی خانوارها؛ از دست دادن یا از بین رفتن اموال و افراد؛ از دست دادن قربانیان و منافع آتی آن‌ها؛ هزینه‌هایی که سیستم‌های نگهداری (زندان‌ها) از مجرمان متحمل می‌شوند؛ تأثیر بلندمدت و آتی بر خانواده‌های مجرمان و قربانیان (پرادل، ۱۳۹۶، ۹۷).

۴- نظریه اقتصاد جرم و جنایت

اولین اقتصاددانی که به تحلیل اقتصادی موضوع جرم و جنایت پرداخت، فلیشر^۷ بود. وی به بررسی اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازارکار از دیدگاه سیاست‌های عمومی پرداخته و علاوه بر آن بر سایر کارکردهای بازارکار مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه توزیع آن، که بر نحوه تخصیص زمان میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی، اثر معناداری دارد، توجه و دقت نظر کرده است. فلیشر نتیجه می‌گیرد که «آزمون ارتباط میان نرخ جرم و بیکاری در کنار سایر متغیرهای توضیحی جرم مانند سن، حاکی از آن

است که که نرخ بیکاری بر جرم و جنایت در جوانان نقش مثبت و معناداری داشته که این نتایج به ویژه برای افرادی که دارای سن شانزده سال به بالا هستند، با اعتماد بیشتری پذیرش شده است» (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ۴۸). فلیشر در مطالعه بعدی خود در سال ۱۹۶۶ به بررسی نقش درآمد بر تصمیم‌گیری افراد در زمینه اقدام به جرم و جنایت پرداخته است. وی بیان می‌کند: «نظریه اساسی در زمینه تمایل بیشتر افراد کم درآمد به جرم، این است که کم بودن درآمد، موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می‌گردد»، همچنین «هزینه محتمل ناشی از دستگیری، نسبتاً کم است چراکه آن‌ها (افراد با درآمد کم) درآمد قابل توجهی را برای دوران زندگی خود در زمان اشتغال به کارهای قانونی متصور نبوده و هزینه فرصت زمان اختصاص یافته به جرم و جنایت و یا صرف مدت زمانی از زندگی در زندان چندان زیاد نیست» (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۰). علاوه بر این، فلیشر یادآور می‌شود که اگر درآمد بالقوه ناشی از ارتکاب جرم نیز افزایش یابد، به ویژه در جرم‌های مالکیتی از جمله دزدی، گرایش بیشتری به سمت جرم وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر ارلیچ^۸ با وارد کردن درآمد و نحوه توزیع آن به مدل بکر، تحلیل‌های جرم را بسط بیشتری داد. وی اشاره می‌کند که عایدی یک جرم (به ویژه جرم مالکیتی) اساساً به درآمد قربانیان بالقوه بستگی دارد. ارلیچ فرض می‌کند که می‌توان «میانگین فرصت‌های قانونی در دسترس برای مجرمان بالقوه» را با استفاده از «میانگین سطح درآمد افرادی که دارای درآمدی کمتر از میانه درآمدی افراد جامعه هستند» تقریب زد. در این شرایط برای یک میانه درآمدی مشخص و داده شده، نابرابری درآمدی می‌تواند حاکی از شاخصی برای نشان دادن تفاوت پرداختی به فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی باشد. ارلیچ در مدل اقتصادسنجی خود با استفاده از آمار ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۹، دریافت که خانوارهای بالای میانه درآمدی نسبت به دیگر گروه‌ها بیشتر در معرض مواجهه با قتل، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، تجاوز و به ویژه جرم‌های مالکیتی هستند (بابایی و انصاری، ۱۳۹۱، ۸۲).

اما جوکوئیست^۹ با پیروی از روش بکر، مدلی پایه‌گذاری نمود که در آن افراد با فرض داشتن زمان ثابت، آن را میان کارهای قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند که در آن هزینه‌های مالی و روانی و عایدی ناشی از جرم در تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر است. وی با تصریح تابع، آن را با قید زمان حداکثر می‌نماید. جوکوئیست، مدل مطلوبیتی از نوع فون نیومن-مورگنسترن مورد نظرش را با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۸ برای پنجاه و سه شهرداری ایالات متحده آمریکا با مشاهداتی از بیست و پنج تا دویست هزار نفر

8- Ehrlich

9- Sjoquist

آزمون نموده و نتیجه می‌گیرد که افزایش نسبت دستگیرشدگان به تعداد جرم‌ها (کارایی نیروهای امنیتی و انتظامی)، میزان جرم را کاهش می‌دهد چراکه هزینه‌های انتظاری جرم را می‌افزاید و مطلوبیت انتظاری را می‌کاهد (بابایی و انصاری، ۱۳۹۱، ۸۵).

نتیجه

باید بیان داشت که نقش نوع مجازات و نحوه اعمال آن و همچنین توجه به وضعیت مجرم تأثیر بسزایی در کاهش یا افزایش ضریب هزینه‌های ناشی از جرم بر دولت دارد و به عبارت دیگر رابطه کثرت گرای مجازات و اصل فردی کردن مجازات‌ها با اقتصاد جرم رابطه‌ای بسیار نزدیک و تنگاتنگ است به طوری که به نحو مستقیم و مؤثر بر هم اثر می‌گذارند. لذا مطمئناً اعمال سیاست‌هایی همسو با اقتصاد جرم از سوی قوه تقنینی کشورها می‌تواند زمینه کاهش هزینه‌های ناشی از جرم را به نحو مطلوبی به همراه داشته باشد. البته قانونگذار جمهوری اسلامی نیز گام‌های مؤثری را در این حوزه برداشته است که امید است روز به روز این امر بیشتر در رویکرد تقنینی ما جلوه کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- انصاری، باقر و انصاری، اسماعیل، ۱۳۹۴، مقدمه‌ای بر تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، **دایره المعارف علوم جنایی**، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- بابایی، محمدعلی و انصاری، اسماعیل، ۱۳۹۱، تحلیل هزینه‌های جرم، **فصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۹۴.
- پرادل، ژان، ۱۳۹۶، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- شهابی، مهدی، ۱۳۹۰، فرایند اجتماعی شدن حقوق و تأثیر آن بر نظام حقوقی، **فصلنامه حقوق**، شماره ۱.
- کوتر، رابرت و یولن، تامس، ۱۳۹۸، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه دکتر یداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم.
- حسن زاده، محمد؛ کرامی، حسین؛ رسولی، حمیدرضا، ۱۳۹۲، مدل سازی اقتصادی شاخص‌ها و جرم ملی با

استفاده از مدل رگرسیون پانل فضایی پانل،

- مک لنان، گرگور، ۱۴۰۰، **پلورالیسم**، ترجمه جهانگیر معینی علمداری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آشیان.

- مک‌شین، مریلین و ویلیامز، فرانکلین، ۱۳۹۴، **نظریه‌های جرم شناختی**، ترجمه دکتر حمیدرضا محمدی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.

- ولد، جرج؛ توماس، برنارد؛ اسنیس، جرج، ۱۳۹۷، **جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)**، ترجمه علی شایان، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سامت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی